

# ترامپ‌پس، تجاری شدن سیاست و تغییر ماهیت دولت

یادداشت تحلیلی ابوالفضل فاتح با  
عنوان: پدیده آرای شرمگین و کم‌انگاری  
آرای ترامپ

## ایران را سیاستی دگر باید

در ادامه سلسله یادداشت‌ها درباره انتخابات  
امریکا، در آخرین یادداشت از «بن‌بست  
نظرسنجی‌ها» سخن به میان آمد و اینکه با  
توجه به تعارض و لکنت داده‌های دسترس  
«نباید با هر نتیجه‌ای در این انتخابات حیرت  
زده شویم». چرا که نظرسنجی‌ها سویه‌های  
متفاوت داشت و نهایتاً داده‌ها راهگشا نبود،  
و در حد حدس و گمان آن هم در دامنه خطا  
باقی ماند. در این فرصت، مناسب است ابتدا  
به بررسی و نقد نظرسنجی‌ها به عنوان یک  
تجربه انتخاباتی پرداخته شود.

کم‌انگاری آرای ترامپ در سه انتخابات پیدرپی: گرچه در بسیاری از  
ایالت‌های کلیدی فاصله آرای ترامپ نزدیک و حدود یک و نیم تا چهار  
و نیم درصد است، با این همه، پیروزی ترامپ با چنین ابعادی در  
بسیاری از نظرسنجی‌های معتبر پیش‌بینی نشده بود. در همان یادداشت  
آخر از احتمال «کم‌انگاری آرای ترامپ» سخن به میان آمد. در سال  
۲۰۱۶ نیز انتخابات آمریکا با پدیده مشابهی مواجه شده بود. در  
حالی که بنگاه‌های نظرسنجی، «هیلا ری کلینتون» را در تمام ایالت‌های  
کلیدی پیش‌تاز می‌دانستند، نهایتاً این ترامپ بود که همه ایالت‌های

کلیدی را از آن خود کرد و با ۳۰۴ در برابر ۲۲۷ رای الکترا ل پیروز شد. در سال ۲۰۲۰ نیز در اغلب پیش‌بینی‌ها بایدن بین ۵ تا ۸ درصد در ایالت‌های کلیدی از ترامپ پیش بود. اما در نتیجه نهایی با رایی میلیمتری در هر ایالت و با اختلاف تنها نیم درصد در جورجیا و آریزونا و کمتر از یک درصد در ویسکانسین از ترامپ پیش افتاد. در پیش‌بینی رای ملی نیز بایدن بیش از ۸ و نیم درصد از ترامپ پیش بود، اما این رقم در نتیجه نهایی تنها به حدود ۴ درصد رسید.

**تکرار خطا در انتخابات جاری:** در انتخابات جاری نیز همین پدیده تکرار شد و در اعظم ایالت‌های کلیدی که نظرسنجی‌ها با افزون‌نگاری هریس، هریس را پیروز میدانستند، در نتیجه نهایی ترامپ از یک و نیم تا چهار و نیم درصد پیش افتاد. جالب آنکه در سطح ملی نیز که تقریباً بین نظرسنجی‌ها اتفاق نظر بر پیشتازی هریس بود، و ترامپ در دو انتخابات قبلی عقب مانده بود، برای نخستین‌بار در این انتخابات پیش افتاد. گرچه همه موارد به نوعی در دامنه بود، اما تمام این خطاها با کم‌نگاری رای ترامپ یا افزون‌نگاری رای هریس همراه بود. این خطای بزرگی برای نظرسنجی‌ها بود. در سطح انتخابات سنا نیز همین پدیده کم‌نگاری آرای جمهوری‌خواهان یا افزون‌نگاری رای دموکرات‌ها در بسیاری از ایالت‌ها تکرار شد و نهایتاً دموکرات‌ها اکثریت سنا را از دست دادند. آری نظرسنجی‌ها خطا می‌کنند و دامنه خطا دارند، اما انتظار می‌رفت که پس از دو تجربه پیشین، خطای خود را تصحیح کنند. از کنار سه بار خطا، به آسانی نمی‌توان گذشت. موسسات مهمی چون «اکونومیست»، «یوگا و»، «نیویورک تایمز»، «فایو تری ایت» و پیشگویانی چون «آلن لیچمن» حتی تا شب آخر در مجموع پیروزی هریس را پیش‌بینی کرده بودند. «نت سیلور» نیز که پیروزی ترامپ را پیش‌بینی کرده بود نهایتاً از دیدگاه خود به شانس برابر تنزل کرد. «واشنگتن پست»، ۴ ایالت کلیدی را از آن هریس میدانست و حتی «فاکس نیوز» طرفدار ترامپ، در تحلیل نظرسنجی‌ها، آن را مکفی برای شناخت پیروز انتخابات ندانست. موسسه بسیار معتبر گالوپ نیز، گرچه مستقیماً از ترامپ و هریس نپرسیده بود، اما گرایش به دموکرات‌ها را ۳ درصد بیش از جمهوری‌خواهان پیش‌بینی کرده بود. چگونه ممکن است چنین موسساتی آن هم در جامعه امریکا دچار خطا شوند؟

**پدیده آرای شرمگین:** بخشی از خطا ذات نظرسنجی‌هاست. اما چه بسا «کم‌نگاری آرای ترامپ» ناشی از پدیده «آرای شرمگین» و «آرای پنهان» باشد. ترامپ در نزد طیف‌هایی از جامعه امریکا به‌طور مثال

دانشگاهیان یا زنان یا رنگین‌پوستان، شخصیت موجهی محسوب نمی‌شود. به نظر می‌رسد، گروه مهمی از این افراد که یا خاکستری یا پایگاه رای هریس بوده‌اند، نهایتاً رای خود را به ترامپ داده‌اند، اما چه بسا در نظرسنجی‌ها از ابراز آن خودداری ورزیده‌اند. خشم فروخته، از باخت دوره پیش و انتقام از دموکرات‌ها به همراه هزینه سرسام‌آور ایلان ماسک‌ها، نیز انگیزه طرفداران ترامپ را که معمولاً طبقات غیر دانشگاهی هستند، مضاعف ساخت. ترامپ درباره پیروزی‌اش گفت: او با توده صحبت می‌کرد و هریس با سلبرتی‌ها.

**هریس به خود باخت / ترامپ هر دو بار از یک زن برد :** کمپین هریس نیز بیش از آنکه به ترامپ بیازد به خود باخت. به رغم حمایت‌های وسیع رسانه‌ای و شخصیت‌هایی چون اوباما و خوش‌بینی گروهی از نظرسنجی‌ها، از انرژی کافی برخوردار نبود، شعار و برنامه مشخصی به ویژه در حوزه اقتصادی ارائه نداد و در سیاست خارجی با بازی دوگانه در موضوع غزه و لبنان و حقوق بشر، مسلمانان و طرفداران جنبش‌های پیشرو را از خود مایوس ساخت و ائتلاف آنها دچار شکاف شد، تا جایی که دیدیم ترامپ از مسلمانان حامی خود تشکر کرد. هریس، وارث و شریک انفعال و بی‌عملی بایدن در بسیاری از نابسامانی‌های داخلی و بین‌الملل بود که پاسخ درستی برای آن نداشت و بسیاری از مردم او را وانهادند.

البته، در فضای نژادپرستانه حاکم بر رقابت‌های انتخاباتی، سیاه بودن و زن بودن و حتی قد کوتاه او نیز مساله هریس شد. بار دیگر جامعه امریکا، حتی زنان این کشور برای سپردن رهبری کشورشان به یک زن اعتماد نکردند، چنان که به هیلاری کلینتون هم اعتمادی نکرده بودند و جالب آنکه ترامپ هر دو بار بر یک زن پیروز شد.

**امواج داخلی و بین‌المللی بازگشت ترامپ و ترامپیسم:** در هر صورت، اینک با امریکای جدیدی مواجه خواهیم بود که ترامپ با شخصیتی که می‌شناسیم رییس‌جمهور و ترامپیسم شاخصه آن خواهد بود. قدرت در این کشور یکدست‌تر است و البته ده‌ها میلیون مردمی که به چنین افرادی با چنان ویژگی‌های شخصیتی رای داده‌اند و در جهان نیز طرفدارانی دارند. امواج داخلی و بین‌المللی پیروزی ترامپ و ترامپیسم آمریکایی وسیع و برای مخالفان او و بسیاری از ملت‌های جهان نگران‌کننده خواهد بود. ترامپ با قدرت عظیم ریاست‌جمهوری، و با دخالت در ساختارها و چینش دادگاه عالی و ... تلاش خواهد کرد مسیر بلند مدتی را ریل‌گذاری کند. او مخالفان و منتقدان سیاسی خود را رها نخواهد کرد و در عرصه داخلی، دموکرات‌ها و دانشگاه‌ها و

مهاجران با دوران پر تلاطمی مواجه خواهند شد. با جدا شدن دموکرات‌ها و چپ‌ها و لیبرال‌ها از قدرت، شاید برای آنها نیز فرصتی پدید آید تا به جای توجیه و دورویی، در رویکردهای خود بازنگری کنند و شاید در این میان برخی از آنها برای ارزشهای حقوق بشری و انسانی که مدعی آن بودند و وانهادند، تجدید نظر کنند. در دوران آنها بود که نسل‌کشی غزه و نابودگری لبنان شکل گرفت. بسیاری می‌پرسند، اگر ترامپ در قدرت بود، آیا بیش از این غزه و لبنان شاهد جنایت علیه بشریت بود؟

**تجاری شدن سیاست و تغییر ماهیت دولت:** برای ترامپ اصول و ارزش‌ها قابل تجارتند. بیش از هر چیز امریکای سفید و پوپولیسم راست‌گرا و ناسیونالیسم افراطی ترجیح دارد و امریکای جدید با پیروزی ترامپ، پیشران سیاسی - نظامی اتحادیه راست‌گرایان جهان خواهد بود. با پیوند ابر سرمایه‌دارانی چون ایلان ماسک، و همچنین تجاری شدن سیاست، به نظر می‌رسد، جهان و «جهانی شدن» شاهد تغییر ماهیت دولت و سیاست‌ورزی در امریکا به یک «ابر بنگاه اقتصادی» خواهد بود. این ابربنگاه، شبکه دانه‌درشته‌ها و لشکر خود را پیدا خواهد کرد.

در این شبکه، قطب همه‌چیز حول محور «ابر سرمایه‌داران جهان» با رهبری سیاسی - نظامی دونالد ترامپ و سلطه اقتصاد دیجیتالی ایلان ماسک‌ها و جف بیزوس‌ها و بازیگری کارتل‌ها و تراست‌هایی نظیر بن‌سلمان‌ها و شیخ زائدها و امثال آن خواهد گشت و به نوعی با «فراملی شدن پیوند سرمایه‌داران» و نقش‌آفرینی آنها در آینده اقتصاد و سیاست بین‌الملل در ذیل قدرت امریکا و در رقابت با قدرت‌هایی چون چین و روسیه مواجه خواهیم شد. اینکه تا چه اندازه جهان به آنان اجازه پیشروی بدهد، نکته دیگری است.

دو ماه پر حادثه و چهار سال پر ماجرا: در منازعه روسیه و اوکراین و در منطقه خاورمیانه، احتمالا ترامپ تمایلی به کشاندن بحران‌ها به دوران خود ندارد، مگر آنکه سریعا پایان یابد. پوتین، زلنسکی و نتانیاهو فرصتی یافته‌اند تا زمان شروع ریاست‌جمهوری جدید برنامه‌های خود را به پیش ببرند. نتانیاهو اگر ساقط نشود و بتواند، منطقه را هم به آتش خواهد کشید. ترامپ خود را بهترین دوست تاریخ اسرائیل می‌داند و نه تنها از حق دفاع اسرائیل که از حق پیروزی اسرائیل سخن می‌گوید و این پیروزی را سریع هم می‌خواهد! پیمان ابراهیم و حاتم‌بخشی‌های ترامپ از قدس و جولان و چه بسا غزه و لبنان نیازمند تامل است.

ایران و ترامپ: در رابطه با ایران، اخیراً در هم‌پیمانی با برخی دول عربی، اروپا تهاجم سیاسی بیسابقه‌ای علیه جزایر ایران به انجام رساند که باید مراقبت داشت، آمریکا و ترامپ با آنان پیوند نخورند و مساله جزایر را پیچیده‌تر نسازند. پیشنهادی که ایران با دولت ترامپ، پیچیدگی‌های بسیاری دارد. ترامپ، واضح فشار حداکثری علیه ایران است. در شرایطی که از ترامپ تا نتانیاهو و از هم‌پیمانان اروپایی تا منطقه‌ای‌شان به تناسب جبهه متحدی تشکیل خواهند داد، ایران عزیز برای حفظ منافع و مصالح ملی و عبور از این گردنه خطرناک دوماهه و آن دوران پر ماجرای چهارساله، نیازمند طراحی راهبردی جدیدی است. سیاستی دگر باید.

نکته آخر: امواجی بلند شده و رخداد اخیر تااملات و تلاطم‌هایی ایجاد کرده است. جهان، نیازمند بازاندیشی و تامل، عقلانیت و تدبیر است. این‌گونه نیست که بشریت تسلیم هر آنچه ترامپ‌یسم و راست افراطی، و ابرسرمايه‌داری آمازوني و ایلان ماسکی دیکته کند، خواهد شد و آنها همه‌کاره عالم خواهند بود. شاید آمریکا از درون بیشتر دو قطبی خواهد بود، اما، جهان آینده، چند ضلعي است. در این باره بیشتر خواهم نوشت. ان شاءالله